

ر/د

مد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه روانشناسی

روانشناسی عمومی

بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری، حمایت اجتماعی ادراک شده و خودکارآمدی عمومی
در دانشجویان دانشگاه گیلان

از:

سپیده جلودارانزاده

استاد راهنما:

دکتر سید موسی کافی

۱۳۸۹ / ۷ / ۳

استاد مشاور:

چیز و سلامت درک می‌باشد
نستدرک

دکتر ایران داودی



بهمن ۱۳۸۸

۱۴۱۷۳۳

تقدیم به

اولین آموزگاران عشق و زندگی، پدر عزیز و مادر مهربانم

و

همراهان همیشگی ام، خواهر و برادر عزیزم

ب

تقدیر و تشکر

اکنون که به لطف الهی پایان نامه خود را به اتمام رسانده‌ام بر خود لازم می‌دانم تا از زحمات کسانی که مرا همراهی نموده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم.

از رهنمودها، مساعدت‌ها و همدلی جناب آقای دکتر کافی صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند خواستارم. از رهنمودها و حسن توجه سرکار خانم دکتر داودی صمیمانه سپاسگزارم و سعادت و موفقیت ایشان را آرزومندم.

ضمناً از سرکار خانم پروفسور مهرابی‌زاده و جناب آقای دکتر هاشمی و سایر اساتید گرانقدر که همواره راهنمای اینجانب بوده‌اند، سپاسگزارم.

از خانواده عزیز و دوستان خوبم که با من همراه و همفکر بودند، کمال تشکر را دارم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ذ	چکیده فارسی
ر	چکیده انگلیسی
فصل اول: طرح مسئله	
۲	مقدمه
۴	۱-۱- بیان مسئله
۶	۲-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش
۷	۳-۱- اهداف پژوهش
۸	۴-۱- فرضیه‌های پژوهش
۸	۵-۱- متغیرهای پژوهش
۸	۶-۱- تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش
۸	۱-۶-۱- شیوه‌های فرزندپروری
۹	۲-۶-۱- حمایت اجتماعی
۱۰	۳-۶-۱- خودکارآمدی
فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش	
۱۲	مقدمه
۱۳	۱-۲- دیدگاه نظری درباره خودکارآمدی

۱۶	۲-۱-۱- منابع خودکارآمدی
۱۹	۲-۱-۲- تأثیر باورهای خودکارآمدی
۲۱	۲-۱-۳- تفاوت باورهای خودکارآمدی با دیگر باورهای خود
۲۲	۲-۲- تأثیر خانواده بر خودکارآمدی
۲۳	۲-۲-۱- دلستگی
۲۶	۲-۲-۲- شیوه‌های فرزندپروری
۳۰	۲-۳- حمایت اجتماعی
۳۱	۲-۴- آثار اصلی و ضربه‌گیر حمایت اجتماعی
۳۲	۲-۵- پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی خودکارآمدی
۳۵	۲-۶- دلستگی و پیامدهای رشدی
۳۹	۲-۷- پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی شیوه‌های فرزندپروری
۴۶	۲-۸- پیش‌بین‌های والدینی خودکارآمدی
۴۸	۲-۹- پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی حمایت اجتماعی
۵۲	۲-۱۰- حمایت اجتماعی به عنوان افزایش‌دهنده خودکارآمدی

فصل سوم: روش پژوهش

۵۶	مقدمه
۵۶	۳-۱- طرح پژوهش
۵۶	۳-۲- جامعه آماری، گروه نمونه و روش نمونه‌گیری
۵۶	۳-۱-۲- جامعه آماری

۵۷	۲-۲-۳- گروه نمونه و روش نمونه گیری
۵۸	۳-۳- ابزارهای اندازه گیری: معرفی ابزارها و ویژگی های روانسنجی آنها
۵۸	۱-۳-۳- پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند
۵۹	۲-۳-۳- پرسشنامه حمایت اجتماعی
۶۰	۳-۳-۳- پرسشنامه خودکارآمدی عمومی
۶۰	۴-۳- روش اجرای پژوهش
۶۱	۵-۳- روش‌های آماری تحلیل داده‌ها
۶۱	۶-۳- اثر واسطه‌ای

فصل چهارم: یافته های پژوهش

۶۸	مقدمه
۶۸	۱-۴- یافته‌های توصیفی
۶۹	۲-۴- یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها
۶۹	۱-۲-۴- رابطه ساده متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک
۷۰	۲-۲-۴- مسیرهای واسطه‌ای
۷۶	۳-۴- یافته‌های جانبی
۷۷	۱-۳-۴- رابطه ساده متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک
۷۹	۲-۳-۴- یافته‌های مربوط به روابط واسطه‌ای

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۸۵	مقدمه
۸۵	۱-۵- بحث و نتیجه گیری در مورد فرضیه‌ها
۸۹	۲-۵- محدودیت های پژوهش
۹۰	۳-۵- پیشنهادهای پژوهش
۹۲	منابع
۹۷	پیوست

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۵۷	جدول ۱-۳- فراوانی آزمودنی‌ها به تفکیک دانشکده
۵۷	جدول ۲-۳- فراوانی آزمودنی‌ها برحسب سال تحصیلی
۶۸	جدول ۱-۴- یافته‌های توصیفی
۶۹	جدول ۲-۴- ضرایب همبستگی ساده متغیرهای حمایت اجتماعی، شیوه‌های فرزندپروری و خودکارآمدی
۷۲	جدول ۳-۴- ضرایب رگرسیون فرزندپروری مستبد و خودکارآمدی
۷۲	جدول ۴-۴- ضرایب رگرسیون فرزندپروری مستبد، حمایت اجتماعی و خودکارآمدی
۷۳	جدول ۵-۴- ضرایب رگرسیون و خطاهای استاندارد مسیر واسطه‌ای فرزندپروری مستبد-حمایت اجتماعی-خودکارآمدی
۷۴	جدول ۶-۴- ضرایب رگرسیون فرزندپروری مقتدر و خودکارآمدی
۷۵	جدول ۷-۴- ضرایب رگرسیون فرزندپروری مقتدر، حمایت اجتماعی و خودکارآمدی
۷۶	جدول ۸-۴- ضرایب رگرسیون و خطاهای استاندارد مسیر واسطه‌ای فرزندپروری مستبد-حمایت اجتماعی-خودکارآمدی
۷۷	جدول ۹-۴- ضرایب همبستگی ساده متغیرهای حمایت اجتماعی، شیوه‌های فرزندپروری و خودکارآمدی در دختران
۷۸	جدول ۱۰-۴- ضرایب همبستگی ساده متغیرهای حمایت اجتماعی، شیوه‌های فرزندپروری و خودکارآمدی در پسران

- جدول ۴-۱۱- ضرایب رگرسیون فرزندپروری مستبد و خودکارآمدی در دختران ۸۰
- جدول ۴-۱۲- ضرایب رگرسیون فرزندپروری مستبد، حمایت اجتماعی و خودکارآمدی در دختران ۸۰
- جدول ۴-۱۳- ضرایب رگرسیون فرزندپروری مقتدر و خودکارآمدی در دختران ۸۲
- جدول ۴-۱۴- ضرایب رگرسیون فرزندپروری مقتدر، حمایت اجتماعی و خودکارآمدی در دختران ۸۲

فهرست شکل‌ها و نمودارها

صفحه	عنوان
۱۴	شکل ۱-۲- تعیین کنندگی متقابل
۶۴	نمودار ۱-۳- رابطه مستقیم و واسطه‌ای متغیرهای مستقل و وابسته
۷۱	نمودار ۱-۴- رابطه واسطه‌ای متغیرهای مستقل و وابسته

بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری، حمایت اجتماعی ادراک شده و خودکارآمدی عمومی در دانشجویان دانشگاه گیلان

سپیده جلو داران‌زاده

هدف این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای حمایت اجتماعی در رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده و خودکارآمدی عمومی بود. نمونه شامل ۴۲۷ دانشجوی (۲۹۴ زن و ۱۳۳ مرد) مقطع کارشناسی دانشگاه گیلان در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷ بود. ابزارهایی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند، عبارت بودند از: ۱- پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری (بامریند، ۱۹۷۳)، ۲- پرسشنامه حمایت اجتماعی (ثامتی، ۱۳۷۵) و ۳- مقیاس خودکارآمدی عمومی (شوارزر و جروسالم، ۲۰۰۰). به منظور آزمون فرضیه‌ها از روش همبستگی، تحلیل رگرسیون و روش بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده شد. نتایج نشان داد که بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه و خودکارآمدی عمومی و بین شیوه فرزندپروری آسان‌گیرانه و خودکارآمدی عمومی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود داشت. بین حمایت اجتماعی و خودکارآمدی عمومی نیز رابطه مثبت و معنی‌دار وجود داشت. بین فرزندپروری مستبدانه و خودکارآمدی عمومی رابطه منفی و معنی‌دار وجود داشت. در رابطه بین شیوه فرزندپروری آسان‌گیرانه و خودکارآمدی عمومی در هر دو جنس، حمایت اجتماعی نقش واسطه‌ای نداشت. فرزندپروری مستبدانه و فرزندپروری مقتدرانه بر خودکارآمدی عمومی دختران اثر غیر مستقیم داشت. در دانشجویان پسر فرزندپروری مستبدانه و فرزندپروری مقتدرانه اثر غیرمستقیم بر خودکارآمدی عمومی نداشت. با توجه به نتایج نقش شیوه‌های فرزندپروری و حمایت اجتماعی در خودکارآمدی عمومی دختران و پسران متفاوت است.

کلید واژه‌ها: خودکارآمدی عمومی، شیوه‌های فرزندپروری، حمایت اجتماعی

Abstract

Exploring the relationship between perceived parenting styles, social support and general self-efficacy in the Guilan university students

Sepideh Jelodaranzadeh

Abstract: The purpose of this study was to examine the mediating role of social support in the relation between perceived parenting styles with general self-efficacy. The sample consisted of 429 undergraduate students (294 female and 133 male) of Guilan University during the academic years of 2009-2010. Instruments used in this study were: 1) parenting styles questionnaire (Baumrind, 1973), 2) social support inventory (Sameti, 1997) and 3) general self-efficacy scale (Schwarzer and Jerusalem, 2000). In order to test the hypotheses correlation, regression and Baron and Kenny's (1986) analytical methods were used. Results showed that there was a positive significant relationship between authoritative parenting and general self-efficacy, and between permissive parenting and general self-efficacy. Also there was a positive significant relationship between social support and general self-efficacy. Between authoritarian parenting and general self-efficacy there was a negative significant relationship. In the relationship between permissive parenting and general self-efficacy in both genders, social support did not have a meditational role. Authoritarian parenting and authoritative parenting had an indirect effect on the female general self-efficacy. However in male students Authoritarian parenting and authoritative parenting did not have an indirect effect on general self-efficacy. It was concluded that the role of parenting styles and social support in general self-efficacy is different between males and females .

Key words: general self-efficacy, parenting styles, social support

فصل اول

طرح مسئله

مقدمه

تأثیر خانواده بر فرایند رشد چنان بارز است که با وجود اختلافات موجود بین صاحب نظران روانشناسی، در زمینه اهمیت خانواده و تأثیر آن بر رشد نقطه نظر مشترک دارند. اکثر روانشناسان صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش‌های متقابل میان والدین و فرزندان را اساس رشد عاطفی تلقی می‌کنند (بالبی^۱، ۱۹۶۹؛ به نقل از برومند نسب، ۱۳۷۶).

یکی از تأثیرات مهم خانواده بر کودک شیوه‌های فرزندپروری^۲ است. شیوه‌های فرزندپروری والدین را می‌توان به عنوان منظومه‌ای از نگرش‌های والدین به سوی کودک دانست که با کودک مرتبط شده و در مجموع یک جوّ هیجانی را در رفتارهای والدین ایجاد می‌نماید. این شیوه‌ها الگوهایی از تربیت فرزند هستند که برای والدین معیاری در جهت اجرا کردن و پاسخ دادن به رفتارهای کودک ایجاد می‌کنند (دستجردینز^۳، ۲۰۰۷؛ به نقل از بیطرف، ۱۳۸۷).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فرزندپروری با پیامدهای مثبت فراوان از جمله عزت نفس، اعتماد به نفس، سازگاری روانی-اجتماعی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی رابطه دارد (بامریند^۴، ۱۹۹۱؛ جانگ و سیلبریزن^۵، ۱۹۹۹؛ اسمیت^۶، ۲۰۰۷؛ میسک و جزک^۷، ۲۰۰۷؛ ترنر، چاندلر و هافر^۸، ۲۰۰۹). خودکارآمدی^۹ نیز یکی دیگر از سازه‌های روان-شناسی است که تحت تأثیر شیوه‌های فرزندپروری قرار دارد (الیور و پل^{۱۰}، ۱۹۹۵؛ به نقل از برک^{۱۱}، ۲۰۰۵؛ فلوری^۱، ۲۰۰۴).

1. Bowlby

2. Parenting style

3. Desjardins

4. Baumrind

5. Juang & Silbereisen

6. Smith

7. Macek & Jezek

8. Turner, Chandler & Haffer

9. self-efficacy

10. Oliver & Paull

11. Burke

خودکارآمدی به معنای باور فرد به توانایی‌هایش در اعمال کنترل بر عملکرد خود و بر رویدادهای محیطی می‌باشد (بندورا^۱، ۲۰۰۱؛ به نقل از فیست و فیست، ۱۳۸۶). زمانی که والدین نسبت به کودک و نیازهای حساس باشند و در اوایل کودکی که او به تنهایی نمی‌تواند نیازهایش را ارضا کند، به او در رسیدن به خواسته‌هایش یاری رسانند، این باور در کودک شکل می‌گیرد که توانایی لازم برای جلب توجه اطرافیان و رسیدن به خواسته‌هایش را دارد. به همین دلیل پاسخگویی والدین در پرورش خودکارآمدی کودکان نقش دارد (مالین کروت^۲، ۱۹۹۲).

در پژوهش کولینز و رید^۳ (۱۹۹۰؛ به نقل از مالین کروت، ۱۹۹۲) بزرگسالانی که والدینشان را پذیرا و پاسخگو توصیف کردند، تمایل بیشتری داشتند که به دیگران اطمینان کنند تا نیازهای هیجانی خویش را ارضا کنند و در روابط با دیگران، کمتر نگران طرد شدن بودند. کسانی که والدین آنها پاسخگو و پذیرا نبودند، به دنیای اجتماعی، اطمینان کمتری داشتند. فرزندپروری حساس و پاسخگو منجر به پرورش فرزندان می‌شود که به روابط اجتماعی علاقمند هستند و اطرافیان را حمایت‌کننده می‌دانند. بنابراین شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌تواند بر خودکارآمدی و حمایت اجتماعی^۴ تأثیر گذار باشند.

حمایت اجتماعی و خودکارآمدی نیز با یکدیگر رابطه نزدیکی دارند. حمایت اجتماعی تأثیر منفی حوادث استرس‌زا را خنثی می‌کند و بر سلامتی تأثیر مثبت می‌گذارد. در پژوهش‌ها نشان داده شده که در رابطه‌ی بین حمایت اجتماعی و سلامتی، خودکارآمدی به عنوان یک واسطه‌گر عمل می‌کند، به عبارت دیگر تأثیر مثبت حمایت اجتماعی بر سلامتی در صورتی ظاهر می‌شود که شخص دریافت‌کننده‌ی حمایت، خودکارآمدی بالایی داشته باشد. حمایت اجتماعی به سه طریق به افزایش خودکارآمدی کمک می‌کند: ۱- زمانی که شبکه حمایت اجتماعی متشکل از افراد موفق و دارای قابلیت‌های بالاست، الگوهای مناسبی برای افزایش خودکارآمدی شخصی فراهم می‌آورند. ۲- حمایت اجتماعی می‌تواند عواطف و هیجانات منفی

1. Flouri

2. Bandura

3. Mallinckrodt

4. Collins & Read

5. social support

را کاهش دهد (عواطف منفی و خودکارآمدی همزمان با هم اتفاق نمی‌افتند).^۳ - ضمناً افراد فراهم آورنده‌ی حمایت اجتماعی با ترغیب و اطمینان بخشی می‌توانند تأثیر مثبتی بر خودکارآمدی شخصی بگذارند (شوارزر و نول^۱، ۲۰۰۷).

۱-۱- بیان مسئله

مطابق نظریه دلبستگی^۲ کودک در اثر تعاملات اولیه با والدین یا مراقبان، بازنمایی‌های ذهنی از خود، دیگران و تعامل بین خود و دیگران ایجاد می‌کند، که بالبی آن را الگوهای فعال‌ساز درونی^۳ نامید. الگوهای فعال‌ساز درونی همانند سایر طرحواره‌های شناختی، مجموعه‌ای از اطلاعات درباره‌ی خود، دیگران و دنیای اجتماعی هستند که بر اساس تجارب گذشته در حافظه سازمان‌بندی و ذخیره شده‌اند (اسپرلینگ و برمن^۴، ۱۹۹۴؛ به نقل از برک، ۲۰۰۵). این باورهای مربوط به خود، دیگران و روابط به روابط جدید، تجارب جدید و موقعیت‌های جدید کشیده می‌شوند، و رفتارهای کودک و انتظارات او از خود و دیگران را هدایت می‌کند. روابط دلبستگی اولیه موجب تشکیل انتظارات کودک درباره‌ی سایر روابط می‌شود و این انتظارات، چگونگی ورود کودک به سایر روابط را تعیین می‌کند (واینفیلد^۵، ۱۹۹۹؛ به نقل از برک، ۲۰۰۵).

اسپرلینگ و برمن (۱۹۹۴؛ به نقل از برک، ۲۰۰۵) با مرور پژوهش‌های قبلی درباره‌ی ثبات سبک دلبستگی در طول زمان دریافتند که سبک‌های دلبستگی که در اوایل کودکی شکل می‌گیرند تا بزرگسالی ادامه پیدا می‌کنند. چون الگوهای رابطه با خود و دیگران در اثر تعامل اولیه با والدین آموخته می‌شوند، نظریه دلبستگی بر تأثیر شیوه‌ی فرزندپروری والدین بر رشد رفتاری، هیجانی، اجتماعی و شناختی متمرکز است. شیوه‌های فرزندپروری والدینی بامریند^۶ (۱۹۶۷، ۱۹۹۱؛ به نقل از برک، ۲۰۰۵) چارچوبی برای بررسی روابط کودک-والد اولیه و تأثیر آنها بر باورهای خودکارآمدی فراهم می‌آورد.

¹. Schwarzer & Knoll

². attachment

³. internal working models

⁴. Spurling & Berman

⁵. Weinfield

⁶. Baumrind

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دلبستگی ایمن^۱ (که با پاسخگویی و دسترسی پذیری هیجانی والدین توأم است) با عزت نفس، اطمینان به خود^۲، شایستگی اجتماعی^۳، و خودکارآمدی رابطه مثبت دارد (اسکوفس، مارکون و ورسچورن^۴، ۱۹۹۶؛ اسروف^۵، ۲۰۰۰؛ به نقل از برک، ۲۰۰۵). پژوهش‌های قبلی رابطه مثبتی بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه^۶ و خودکارآمدی در کودکان و نوجوانان نشان داده‌اند (هولتج، زیریک، سیلبرن و گارتن^۷، ۱۹۹۶؛ الیور و پل، ۱۹۹۵؛ به نقل از برک، ۲۰۰۵؛ فلوری، ۲۰۰۴).

فرزندپروری مقتدرانه ممکن است با بهبود دلبستگی ایمن، ارائه‌ی حمایت عاطفی، راهنمایی، الگوسازی شیوه‌های سازنده‌ی مقابله، ایجاد فرصت برای تجارب مهارتی و تقویت حس شایستگی و اطمینان، باور نیرومند کارآمدی شخصی را پایه‌گذاری کند (بندورا، ۱۹۹۷؛ شانک و پاچارس^۸، ۲۰۰۲؛ به نقل از برک، ۲۰۰۵).

با توجه به نظریه دلبستگی، تأثیر والدین بر باورهای فرزندان ادامه پیدا می‌کند و در بزرگسالی، پایه‌ی باورهای فرزندان درباره‌ی خود و دیگران را تشکیل می‌دهد (بالبی، ۱۹۷۳؛ به نقل از مالین کروت، ۱۹۹۲). بنابراین پژوهش حاضر به دنبال این است که آیا تأثیر شیوه فرزندپروری والدین در خودکارآمدی فرزندان بزرگسال آنها نیز مشاهده می‌شود یا اینکه اثر روش‌های تربیتی والدین با ورود فرزند به دنیای اجتماعی بزرگتر و گسترده شدن روابط او، کاهش پیدا کرده و قابل مشاهده نمی‌باشد؟

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر باورهای خودکارآمدی، حمایت اجتماعی است. حمایت اجتماعی ایجاد رضایت می‌کند و فشارها را تحمل پذیرتر می‌سازد. حمایت‌های اجتماعی توأم با توانایی^۹، احساس کارآمدی و خودارزشمندی را

^۱. secure attachment

^۲. self-reliance

^۳. social competence

^۴. Schoefs, Marcoen & Verschueren

^۵. Sroufe

^۶. authoritative parenting

^۷. Hoeltje, Zubrick, Silburn & Garton

^۸. Schunk & Pajares

^۹. enabling

القا می‌کند و انعطاف‌پذیری در مواجهه با سختی‌ها را بهبود می‌بخشد. بنابراین ممکن است که حمایت اجتماعی در مقابل فشارها و چالش‌ها صرفاً نقش ضربه‌گیر نداشته باشد بلکه باور افراد به توانایی‌های خویش برای غلبه بر این خواسته‌ها را نیز افزایش دهد (بندورا، ۱۹۹۷؛ به نقل از برک، ۲۰۰۵).

۲-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

خودکارآمدی یا باور فرد درباره‌ی توانایی، یکی از نیرومندترین عواملی است که بر انگیزش و موفقیت در حوزه‌های گوناگون تأثیر می‌گذارد زیرا چنین افکار خوداندیشی^۱ در تحقق بخشیدن به اهداف و آرزوهای شخصی مفید هستند (بندورا، ۱۹۸۲؛ به نقل از رجبی، ۱۳۸۲). باورهای خودکارآمدی نیرومند با پرورش علاقه‌ی درونی و توجه عمیق به فعالیت‌ها، موفقیت را افزایش می‌دهد. افراد دارای خودکارآمدی نیرومند، اهداف بالاتری تنظیم می‌کنند، تلاش بیشتری می‌کنند، کمتر نگران شکست هستند، زمانی‌که با مشکلات مواجه می‌شوند، پایداری می‌کنند و انعطاف‌پذیری بیشتری نشان می‌دهند (بندورا، ۲۰۰۱؛ به نقل از فیست و فیست، ۱۳۸۶).

با توجه به ارزش پیش‌بینی‌کنندگی خودکارآمدی در حوزه‌های گوناگون، شناسایی علل و عوامل تسهیل‌کننده‌ی آن اهمیت دارد تا به این وسیله واسطه‌هایی که باور شخص به توانایی‌هایش را افزایش می‌دهد، شناسایی شوند. همانطور که ذکر شد، تعامل با والدین، تجارب اولیه برای تشکیل باورهای خودکارآمدی فراهم می‌آورد، و این باورهای اولیه درباره‌ی توانایی‌ها و شایستگی‌های خود، پایگاهی برای تفسیر شخص از توانایی‌های خود در آینده خواهد بود (جف^۲، ۱۹۹۸؛ به نقل از برک، ۲۰۰۵). ماهیت روابط دلبستگی فرزند-والد، رشد انگیزشی، اجتماعی و شناختی را شکل می‌دهد و فرزندپروری مقتدرانه با رشد عزت نفس، اعتماد به نفس، انطباق‌پذیری، شایستگی، کنترل درونی و اطمینان به خود، موفقیت و رفتارهای مقابله‌ای مثبت در کودکان رابطه دارد (هترینگتون و پارک^۳، ۱۹۹۹؛ وندرزدن^۴، ۲۰۰۰؛ به نقل از برک، ۲۰۰۵). حمایت اجتماعی و ارتباط با دیگران نیز در سراسر زندگی به عنوان عاملی که از افراد در برابر استرس محافظت می‌کند و راهنمایی و فرصت‌هایی برای رشد خود فراهم می‌کند، در نظر گرفته می‌شوند (بندورا، ۱۹۹۷؛ به نقل از برک، ۲۰۰۵). بنابراین بررسی الگوهای خاص

^۱. self-reflective

^۲. Jaffe

^۳. Hetherington & Parke

^۴. Vander-Zanden

تعامل فرزند-والد و همچنین سایر منابع حمایت اجتماعی (مثل خانواده و دوستان) که ممکن است بر نیرومندی باورهای خودکارآمدی تأثیر گذار باشند، اهمیت دارد.

تحصیل در دانشگاه با دوران تحصیل در مدرسه تفاوت کمی و کیفی دارد. در دانشگاه از دانشجو خواسته می‌شود تا در تدریس، جمع آوری مطالب علمی و پژوهش‌ها مشارکت داشته باشد. زندگی خوابگاهی نیز منجر به کاهش دریافت حمایت از سوی خانواده (به ویژه حمایت ابزاری یعنی یاری و مساعدت آشکار) خواهد شد (هاس^۱، ۱۹۸۱؛ به نقل از ثامتی، ۱۳۷۵). دانشجویان در سازگاری با این شرایط جدید به باورهای خودکارآمدی نیرومند، نیاز دارند. بنابراین بررسی پیش‌بینی کننده‌های احتمالی خودکارآمدی در دانشجویان اهمیت کاربردی و نظری دارد.

۳-۱- اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری، حمایت اجتماعی ادراک شده و باورهای خودکارآمدی عمومی در دانشجویان دانشگاه گیلان است.

اهداف فرعی پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

- بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری و خودکارآمدی عمومی.
- بررسی رابطه‌ی حمایت اجتماعی و خودکارآمدی عمومی.
- بررسی نقش واسطه‌ای حمایت اجتماعی در رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری و خودکارآمدی عمومی.

^۱. Hass

۴-۱- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌ها با توجه به شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و آسان‌گیرانه) تدوین شده‌اند. فرضیه‌های پژوهش به

شرح زیر می‌باشند:

- ۱- بین حمایت اجتماعی و خودکارآمدی عمومی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین شیوه فرزندپروری آسان‌گیرانه و خودکارآمدی عمومی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین شیوه فرزندپروری مستبدانه و خودکارآمدی عمومی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه و خودکارآمدی عمومی رابطه وجود دارد.
- ۵- شیوه فرزندپروری آسان‌گیرانه اثر غیرمستقیم (از طریق تأثیر بر حمایت اجتماعی) بر خودکارآمدی عمومی دارد.
- ۶- شیوه فرزندپروری مستبدانه اثر غیرمستقیم (از طریق تأثیر بر حمایت اجتماعی) بر خودکارآمدی عمومی دارد.
- ۷- شیوه فرزندپروری مقتدرانه اثر غیرمستقیم (از طریق تأثیر بر حمایت اجتماعی) بر خودکارآمدی عمومی دارد.

۵-۱- متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: شیوه‌های فرزندپروری

متغیر وابسته: خودکارآمدی عمومی

متغیر واسطه‌ای: حمایت اجتماعی

۶-۱- تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

۶-۱-۱- شیوه‌های فرزندپروری

شیوه‌های فرزندپروری به رفتارهای خاص والدین اشاره دارد که بر پیامدهای فرزندان تأثیر می‌گذارند. شیوه‌های فرزند پروری بامریند بر ابعاد متوقع بودن^۱ و پاسخگویی والدین تأکید دارد. متوقع بودن به این معنی است که والدین معیارهای عالی برای فرزندان تنظیم می‌کنند و از آنها انتظار دارند که این معیارها را برآورده سازند. پاسخگویی یعنی والدین نسبت به فرزندان خود پذیرا هستند و به درخواست‌های فرزندان پاسخ می‌دهند. از ترکیب متوقع بودن و پاسخگویی سه

^۱. demandingness